

همشهری

به جانت ای بت شیرین دهن که همچون شمع شبان تیره، مرامد فتای خویشنت است

صفحه‌اراز: علیرضا بهرامی

همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

سرمزین من: مدیر: سیده زهرا عباسی	سرزمین من: مدیر: سیده زهرا عباسی
گردارش: مدیر: سیدسود میر مدیر: فاطمه سعیدی نیا	تدرستی: مدیر: عیسی محمدی مدیر: مریم سرخوش
۳۴ (سینما و تلوینز یون): مدیر: سعید رضوی مدیر: علیرضا محمودی	سرخ: مدیر: جواد عزیز مدیر: محمد جعفری
صفحه آخر: مدیر: جواد نصرتی مدیر: وگرافیگ: مدیر: محمدعلی حلیمی	دانشنامه: مدیر: ساسان شادمان مدیر: زهرا حاجی
سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارتجو	شهرنگار: مدیر: بیروانه بهرام‌نژاد مدیر: مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر: حسین لطفی مدیر: مریم موسوی پور	تماشاگر: مدیر: امیرمحمد یعقوب پور مدیر: زیلیا خرسند

سوره روز

بساط ممنوع!



از ناشی می توان کاربردش را حدس زد؛ «پیااده و!» یعنی فضایی در کنار خیابان برای تردد عابران پیااده؛ یعنی جایی امن برای رهگذران که در آنجا تگران حفظ جان و سلامت خود نباشند. در واقع، این فضا جایی عمومی است و به همه شهروندان تعلق دارد و به منظور تسهیل در رفت و آمد و ایمنی عابران پیااده اختصاص یافته است. اما گاهی این فضای عمومی به جایی اختصاصی تبدیل می شود؛ مثل معازنه‌های لبنیاتی در محل ما که بخشی از اجناسش را در پیااده و کنار معازنه می چینی یا دستفروشی که گاهی بساطش را در بخشی از پیااده و پهن می کند. اما موضوعی که مدتی است اهالی برخی محله‌ها را تگران کرده، سدمعیر جگرگی‌ها یا املت‌فروشی‌هایی است که کل طول و عرض پیااده‌وها را اشغال کرده‌اند و علاوه بر راه‌انداختن بو و آزار خانه‌های اطراف، با چیدن میز و صندلی، به عابران پیااده هم اجازه رفت و آمد نمی دهند. البته در اینگونه موارد، مأموران شهرداری در صورت معترض‌بودن برای احقاق حق شهروندان به این موضوع‌ها رسیدگی می کنند، اما ما هم به عنوان یک شهروند متعهد، می توانیم با نخریدن از این معازنه‌ها و رهای مغرور، آنها را مجبور به جمع کردن بساطشان کنیم.

دور دنیا

عاقبت فرار در چمدان



اشتباه است اگر فکر کنید چمدان‌ها تنها برای حمل لباس و وسایل شخصی اند؛ مدتی پیش یک زندانی فرانسوی خلاق، کاربردی جدید و متفاوت برای چمدان ابداع کرد و آن کارگرد جدید را جلوی دیدگان همه نگاهبانان و کارکنان زندان امتحان کرد که از قضا با موفقیت هم‌راه بود. پیشینه‌ها او به زبان ساده این بود: وسیله‌ای برای «فرار از زندان»!
اما قصه از این قرار بود که یکی از محکومان زندان کوریا در حومه لیون فرانسه، محکومیتش تمام شده بود و در سالن زندان، منتظر بود تا کارهای اداری آزادی‌اش انجام شود. در همین حین هم‌سولولی‌اش که جوانی ۲۰ ساله بود و به دلیل جرائم امنیتی سازمان یافته، سال‌ها محکوم شده بود، با استفاده از ابداع هم‌سولوی خود در چشم برهم‌زدنی خودش را در چمدان رفیق شفیقش مخفی کرد و پس از مدتی انتظار همراه با هم‌سولوی‌اش موفق به فرار شد.
نکته عجیب این است که زندانی آزادشده، برای اینکه بتواند چمدان سنگینش را از جلوی در زندان تا خودرویی که جلوی زندان منتظرش بود، حمل کند از نگاهبان این زندان فوق امنیتی کمک خواست و او هم از سر خیرخواهی، چرخ‌دستی مخصوصی را در اختیارش قرار داد و اصلاح هم به چمدانش مشکوک نشد.
منابع داخلی گزارش داده‌اند که ۲۴ ساعت طول کشید تا نگاهبانان فهمیدند که یک نفر از زندانبانان کم‌است و تا ساعت‌ها باور نمی کردند یک چمدان، زندانی آنها را فراری داده است.
البته پس از ۳ روز تلاش نیروهای امنیتی، زندانی فراری را هنگام خروج از زیرزمین کمپ در شمال شهر لیون شناسایی کردند و بعد از ۲۵ دقیقه تعقیب و گریز با خودروه، او را دستگیر کردند. بد نیست بدانید دوست زندانی فراری که دوران محکومیتش را به پایان رسانده بود، اکنون به خاطر همدستی با مجرم، در خطر بازگشت دوباره به زندان است؛ اما نیروهای امنیتی هنوز نتوانسته‌اند او را پیدا کنند.

وقتی چینی‌ها فارسی حرف می‌زنند

زبان و فرهنگ ایرانی در خاور دور هم نفوذ کرده و واژه‌ها و سنت‌های فارسی زیادی در این منطقه دیده می‌شوند

غذا و حتی معماری این سرزمین، این روزها هم می‌توان اشتراک‌هایی فرهنگی یافت. البته که اشتراک‌های زبانی و فرهنگی میان ایران و دیگر کشورهای فلات ایران چندان دور از ذهن نیست؛ مثل اشتراکات ما با کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان و... اما این تشابهات با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، سیدرزش طباطبایی پور



ایران و مالزی



ایران و چین



ایران و تایلند

راه ابریشم، مسیری که در مسابقات تجاری میان ایران و چین بوده اما تجارت و همین مسیر تاریخی باعث شد میان مردم این دو سرزمین، موارد مشابه فرهنگی فراوانی رخ دهد. مثلاً سنت هدیه‌دادن و گادکردن هدایا در میان مردم هر دو ملت، رایج است. یا سنت‌هایی مثل خانه‌نگاری در اواخرسال چینی، درست مثل نوروز ما انجام می‌شود. میان اسطوره‌های دو سرزمین هم تشابهات فراوانی وجود دارد؛ مثلاً درست شبیه نبرد رستم و سهراب جنگی بین بهلولان چینی، ای‌چینگ و پسرش در می‌گیرد و همان ماجرا را رخ می‌دهد.



داستان جهانی دختران دریا

روایت زنان ماهیگیر جزیره هنگام در قاب دوربین و نگاه جهانیان

علاهی به عکاس جوان ایرانی منتشر شده؛ کسی که سال‌ها کنار این زنان زندگی و تلاش‌شان را با دوربینش ثبت کرده است. فروغ علاهی که روزگاری دانشجوی حقوق بود، بعدها شکار کرد که با قایق‌های فرسوده و دستی خالی، باراکودا و امیرانور اسب‌سنگدل را به خانه می‌آوردند؛ ماهی‌هایی با دندان‌های تیز که صیدشان جسارت می‌خواهد. نیویورک در این گزارش، دختران دریا را تنها ماهیگیران زن ایران و حتی نادر در کل خلیج فارس معرفی کرده است؛ زنانی که از طلوع تا غروب برای تأمین نان خانواده، رنج امواج را به دوش می‌کشند. یکی از تصاویر ماندگار علاهی، کبری اربابی را نشان می‌دهد که ربع قرن در دریا بوده و با برقع سنتی و وزنه‌ای بسته به انگشت پایش برای صید آماده می‌شود.

صورت‌هایی آفتاب‌سوخته، بر چهره و دست‌هایی که رنج و مهارت سال‌ها را به رخ می‌کشند؛ اینها همان «دختران دریا»ی ایران هستند؛ زنانی که در عصر صنعتی و قوانین نابرابر همچنان سنت ماهیگیری را از زنده نگه داشته‌اند. این روزها دختران دریای جزیره هنگام نه فقط برای اهالی جنوب، بلکه برای جهان نیز چهره‌هایی آشنا شده‌اند.

نشریه معتبر آمریکایی «نیویورکر» به تازگی با گزارشی تصویری و اختصاصی، روایتی تازه از این زنان ماهیگیر منتشر کرده؛ زمانی که در طلوع سحر، پیش از آنکه جزیره از خواب بیدار شود، بدون حضور مردان به دل آب‌های نیلگون خلیج فارس می‌زنند.

گزارش نیویورکر به قلم رابین رایت، با عکس‌هایی از فروغ

فاطمه عباسی

کبری اربابی، پس از یک روز طولانی و پرکار، در سکوت قایق و دل امواج جزیره هنگام آرام گرفته است. منظره غروب و تنهایی او بر پوست دریا، نمادی از استقامت و صبوری زنان ماهیگیر جنوب است.

سکینه که ری‌دادی از دهه ۳۰ زندگی تا امروز در دریا بوده است. او با تجربه‌های سال‌ها ماهیگیری و پیوندی عمیق با طبیعت، نهاد زنانه‌ای است که دریا برایشان خانه، کار و امید است.

کبری اربابی، بیش از ۳۰ سال است که به صیادی مشغول است. جلوه‌ای از تداوم سنت‌های بومی در چهره و قامت او دیده می‌شود؛ زنی که قصه مقاومتش در قاب دوربین ثبت شده است.

هشتگ

تأثیرات مثبت جنگ ۱۲ روزه بر ساختار اجتماعی

ادامه از صفحه اول
حضور زنان بدون حجاب در مراسم مختلف در طول جنگ چون خاکسپاری شهدا و جشن پیروزی و عدم تقابل قشر طرفدار حجاب با آنها در آن محیط‌های اجتماعی می‌تواند شهادتی باشد بر این موضوع. این مسئله از طرف بلاگری‌ها زن بدون حجاب متعارف در محیط‌های اجتماعی و طرفداری آنها از حملات موشکی ایران به اسرائیل و اظهار ارادت به رهبر سیاسی ایران قابل توجه است.

انجم اجتماعی به‌عنوان درجه بیوستگی و وحدت اعضا، در کنار هویت ملی که اشاره دارد به احساس تعلق و وابستگی افراد یک ملت، تا حد بسیار زیادی مدیون این جنگ ۱۲ روزه است. اتحاد گروه‌های ملی‌گرا و مذهب‌یون در کنار انسجام درون حاکمیت و در وظایف اصولگرا و اصلاح طلب را می‌توان یکی از شگفتی‌ها و موهبت‌های این جنگ توصیف کرد. از این منظر مصاحبه‌های زیادی از افراد خارج از کشور و مخالف حکومت جمهوری اسلامی بخش شد که به‌وضوح از اقدامات شخص رهبری و سپاه پاسداران دفاع می‌کردند و آن را افتخار آفرین می‌دانستند. وفاق بین مذهب‌یون و ملی‌گراها را به‌گرات می‌توان به‌صورت سمبل‌ها و نماد‌هایی در شبکه‌های اجتماعی دید. در نظر به هویت اجتماعی تاخلف و تلوز (۱۹۷۹) توضیح داده شده است که چگونه مواجهه با تهدیدات خارجی باعث تقویت هویت گروهی مثبت می‌شود.

این نظر به بیان می‌دارد که افراد تمایل دارند هویت مثبتی از گروه خود داشته باشند. این موضوع که ایرانیان همواره عدالت طلب و حمایتگر مظلومان بوده‌اند، در کنار جنایت‌های بی‌شمار رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان و دولت آمریکا در افغانستان و عراق و سوریه در این راستا می‌تواند تفسیر شود. این موضوع حتی در سطح فراملی نیز قابل بررسی است. هم‌اکنون مردم و حکومت ایران که تشکیل‌دهنده ساختار اجتماعی ایران هستند، به‌عنوان هسته انسجام برای ملت‌های طرفدار حمایت از مظلومان شناخته می‌شوند. در ادامه نظریه واقعیت‌گرایی شریف (۱۹۶۶) بیان می‌دارد که چگونه رقابت و تعارض با گروه‌های خارجی می‌تواند منجر به افزایش همکاری و وحدت درون‌گروهی شود. از این منظر نمایش قدرت موشکی از سوی حاکمیت و تحمیل ضربات سنگین و بران‌کننده علیه دشمن متخاصم نتوانست احساس تعلق و هویت ملی را بین مردم بالا ببرد.

موضوع تاب‌سامانی‌های اقتصادی هم نتوانست به شکاف بین مردم و حاکمیت در موضوع جنگ منجر شود. از این منظر حتی رفتارهای اجتماعی مردم در زمینه ترک شهرهای بزرگ و مهمان شدن در شهرهای کوچک، عدم اشاعه پدیده احتکار، خریدهای روزمره مردم در روزهای جنگ همه و همه نشان‌دهنده آن بود که اقتصاد با تمام نارسایی‌های خود نتوانسته به‌عنوان انگیزه‌های اساسی برای بریدن مردم از حاکمیت در موضوع جنگ تلقی شود و حتی به‌استحکام پیوندهای بین مردم و حاکمیت با موضوع سرنوشت مشترک منجر شده است. تقابل با رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان که تا قبل از جنگ منابع موقت و تا حدی موقت در دیدگاه تعلق‌گرایان از مردم تلقی می‌شدند، در طول جنگ چهره خود را به نمایش گذاشت. مردم که در بطن جنگ در حال زندگی کردن بودند، عموماً با اخباری از سوی این رسانه‌ها مواجه می‌شدند که راستی‌آزمایی آن در سطح فردی بسیار آسان اتفاق می‌افتاد. از این منظر محبوبیت و مقبولیت بسیاری از رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی در طول جنگ کاهش چشمگیری داشت. انعکاس این موضوع را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی در قالب تحلیل‌های جدی یا طنز از طرف ولاگرهای ایرانی در داخل ایران و خارج از ایران دید.

ه‌اچینسون (۲۰۰۵) نیز بیان می‌دارد که جنگ با ایجاد فرصتی برای اجتماع به ساختارهای اجتماعی کمک می‌کند تا به بازتعریف و تقویت هویت ملی بپردازند. در این مسیر ایجاد خاطرات مشترک جمعی، صحبت پیرامون مقاومت، فداکاری، پیروزی، عدالت‌خواهی و دفاع از مظلوم می‌تواند به تقویت نهادها و آیین‌های ملی منجر شود. تصاویری تلفیقی از چهره رهبر انقلاب و یادشاه هخامنشی (دارپوش) و سورد و دهم مذهبی که با تلقیح آهنگ‌های ملی همخوان بود همه و همه در تأیید این نظر است. این نهادها به‌عنوان عوامل یکپارچه‌کننده عمل می‌کنند و به احساس غرور ملی منجر می‌شوند و در نهایت به آنچه به‌عنوان اثر پرچم (مولر، ۱۹۷۰) مطرح شده است می‌انجامند. در این رویکرد مردم اختلافات داخلی را کنار می‌گذارند و حول محور رهبری سیاسی برای مقابله با تهدیدات خارجی بسیج می‌شوند. تقویت احساس مسئولیت اجتماعی نیز در طول دوران جنگ در ایجاد انسجام و تقویت هویت ملی نقش بسزایی دارد. شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی جدید حمایتگر و پیش‌بینی و فعالیت‌های اجتماعی مشترک در این مسیر می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. با مرور ایلیکیشن‌های در دسترس (دیوار، شیپور و...) آگاهی‌هایی را در طول جنگ شاهد بودیم که جا و مکان برای افراد تنها امکان مسافرت به شهرهای دیگر را بدون پرداخت هزینه ارائه می‌داد. شرکت در مراسم و تجمعات شانگهای در تهران و شهرهای بزرگ نیز از این دست بود.

در پایان، اگرچه این جنگ نتوانست به‌انسجام اجتماعی و تقویت هویت ملی ایرانیان بینجامد، بر عهده مسئولان است که با فراهم‌شدن چنین فرصت مناسبی در شکل‌گیری روند و فواید طولانی‌مدت آن پیشتاز باشند.